



وزارت فرهنگ و آموزش عالی
دانشگاه علوم و فنون مازندران

پایان نامه

مقطع کارشناسی ارشد

مهندسی سیستمهای اقتصادی و اجتماعی

موضوع:

بررسی روند نابرابری توزیع درآمد در استان سمنان و مقایسه آن با کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱)

استاد راهنما:

دکتر اسمعیل ابونوری

استادان مشاور:

مهندس علی تاجدین

مهندس فرید رضا ایرجی

دانشجو:

مهدی رضایی

پاییز ۸۳

۱۱۱۷۷۷

کتابخانه دانشگاه مازندران
شماره آرک

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۵

تقدیم به مادر و پدرم که در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکردند

و تقدیم به همسرم که همدلانه تا پایان یاریم کرد

با تشکر از :

جناب آقای دکتر ابونوری استاد محترم دانشگاه ، که هدایت این پایان نامه را برعهده داشتند.

آقای مهندس ایرجی و آقای مهندس تاجدین ، مشاورین محترم پایان نامه

و خانم دکتر علمی که با مطالعه دقیق این پایان نامه ، آن را داوری کردند.

و با تقدیر از :

خانم دکتر مهدیه رضایی ، خانم کارولین شهبازی و آقای مهندس جواد علایی

که در غنای این پایان نامه سهم بسیاری داشتند.

چکیده

در این پایان نامه توزیع نابرابری هزینه (درآمد) در کل کشور و استان سمنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است . نابرابری اقتصادی با برآورد ضریب جینی و محاسبه سهم گروه های درآمدی انجام شده است . چگونگی محاسبه ضریب جینی به روش پارامتریکی و با استفاده از الگوی ابونوری صورت پذیرفته است .

نتایج تحقیق نشان می دهد که طی سالهای مورد مطالعه میزان نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی استان سمنان بیشتر از مناطق شهری این استان بوده است . همچنین تفاوت معنی داری بین میزان نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری استان با مناطق شهری کل کشور وجود ندارد . بر اساس نتایج این تحقیق تفاوت معنی داری بین میزان نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی استان با مناطق روستایی کل کشور نیز بدست نیامده است . در بررسی این تحقیق ملاحظه می شود که میزان نابرابری توزیع درآمد طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ برای مناطق شهری و روستایی استان سمنان و کل کشور به میزان قابل توجهی کمتر از سالهای قبل از آن می باشد . نتایج این مطالعه همچنین نشان می دهد که در مقایسه مناطق شهری و روستایی کل کشور با یکدیگر تفاوت معنی داری در توزیع نابرابری درآمد وجود ندارد .

ABSTRACT

In the following thesis, the cost (income) inequality distribution has been considered and analyzed in the whole country and Semnan province in two categories of rural and urban areas during 1356-1381. The economical inequality has been calculated by estimating Gini coefficient and calculation of share of income categories. Gini coefficient has been calculated by parametric method, using Abounoori method.

The results of our research reveal that during the mentioned years, the income inequality distribution in the rural areas of Semnan province has been more in comparison to urban areas of that province. Also there is no significant difference between income inequality distribution in the urban areas of Semnan and the urban areas of the whole country. According to the results of this research there is no significant difference between income inequality trend in the rural areas of the province and the rural areas of the whole country. In this research it is noted that the income inequality trend, for the rural and urban areas of Semnan and the whole country, during 1376-1381 is remarkably less than the years before that. The results of this research also reveal that, there is no significant difference in income inequality distribution between the rural areas and the urban areas of the whole country.

فصل اول : کلیات تحقیق

- ۱-۱ بیان مساله ۲
- ۲-۱ پرسش و فرضیه های تحقیق ۳

فصل دوم : مروری بر ادبیات موضوع تحقیق از دیدگاه نظری و تجربی

- ۱-۲ توزیع درآمد و نابرابری ۶
- ۲-۲ رابطه اشتغال و نابرابری توزیع درآمد ۸
- ۳-۲ بررسی نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ۸
- ۴-۲ نقش توسعه یافتگی کشور بر میزان نابرابری توزیع درآمد ۹
- ۵-۲ راههای تعدیل نابرابری توزیع درآمد توسط دولت ۱۱
- ۱-۵-۲ نقش مالیاتها در توزیع درآمد ۱۱
- ۲-۵-۲ نقش انواع مخارج دولت بر توزیع درآمد ۱۲
- ۳-۵-۲ سیستم مالیات بردرآمد منفی ۱۳
- ۶-۲ روشهای اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد ۱۳
- ۱-۶-۲ ویژگیهای شاخص اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد ۱۴
- ۲-۶-۲ شاخصهای عینی ۱۵
- ۳-۶-۲ شاخصهای قیاسی ۱۹
- ۷-۲ روش تحقیق ۲۲
- ۸-۲ مروری بر ادبیات موضوع تحقیق از دیدگاه تجربی ۲۵

فصل سوم : جمع آوری و توصیف اطلاعات

- ۱-۳ جمع آوری اطلاعات ۳۲

۳۳	تعاریف و مفاهیم	۲-۳
۳۶	حجم نمونه	۳-۳

فصل چهارم : برآورد نابرابری اقتصادی و آزمون فرضیه ها

۴۰	برآورد نابرابری اقتصادی	۱-۴
۴۲	بررسی روند توزیع درآمد در مناطق شهری استان سمنان	۱-۱-۴
۴۲	بررسی روند توزیع درآمد در مناطق روستایی استان سمنان	۲-۱-۴
۴۳	بررسی روند توزیع درآمد در مناطق شهری کل کشور	۳-۱-۴
۴۳	بررسی روند توزیع درآمد در مناطق روستایی کل کشور	۴-۱-۴
۵۳	مقایسه نابرابری اقتصادی و آزمون فرضیه ها	۲-۴
۵۳	مقایسه توزیع درآمد بین مناطق شهری و روستایی استان سمنان	۱-۲-۴
۵۴	مقایسه توزیع درآمد بین مناطق شهری استان سمنان و کل کشور	۲-۲-۴
۵۴	مقایسه توزیع درآمد بین مناطق روستایی استان سمنان و کل کشور	۳-۲-۴
۵۵	مقایسه توزیع درآمد بین مناطق شهری و روستایی کل کشور	۴-۲-۴

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهاد

۶۲	نتیجه گیری	۱-۵
۶۳	پیشنهاد برای مطالعات آتی	۲-۵

۶۴	منابع	
	پیوست	

فهرست نمودارها و جداول

صفحه

الف-نمودارها

- نمودار ۴-۱ ضرایب جینی مناطق شهری استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۴۹
- نمودار ۴-۲ ضرایب جینی مناطق روستایی استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۰
- نمودار ۴-۳ ضرایب جینی مناطق شهری کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۱
- نمودار ۴-۴ ضرایب جینی مناطق روستایی کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۲
- نمودار ۴-۵ مقایسه ضرایب جینی مناطق شهری استان سمنان با مناطق روستایی استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۷
- نمودار ۴-۶ مقایسه ضرایب جینی مناطق شهری کل کشور با مناطق شهری استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۸
- نمودار ۴-۷ مقایسه ضرایب جینی مناطق روستایی استان سمنان با مناطق روستایی کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۵۹
- نمودار ۴-۸ مقایسه ضرایب جینی مناطق شهری کل کشور با مناطق روستایی کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۶۰

ب- جداول

- جدول ۳-۱ حجم نمونه خانوارهای استان سمنان و کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۳۸
- جدول ۴-۱ روند شاخصهای توزیع هزینه (درآمد) در مناطق شهری استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۴۵
- جدول ۴-۲ روند شاخصهای توزیع هزینه (درآمد) در مناطق روستایی استان سمنان (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۴۶
- جدول ۴-۳ روند شاخصهای توزیع هزینه (درآمد) در مناطق شهری کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۴۷
- جدول ۴-۴ روند شاخصهای توزیع هزینه (درآمد) در مناطق روستایی کل کشور (۱۳۵۶-۱۳۸۱) ۴۸
- جدول ۴-۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها برای مقایسه توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان سمنان و کل کشور. ۵۶

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مساله

از ابتدای قرن بیستم تا اواسط این قرن ، توجه بیشتر اقتصاد دانان و مدیران ارشد کشورهای جهان به افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد اقتصادی معطوف شده بود ، اما از نیمه دوم این قرن به بعد بویژه از دهه ۱۹۷۰ تحول قابل ملاحظه ای در آگاهی عمومی و خصوصی از ماهیت فعالیت اقتصادی رخ داده است که در نتیجه آن تاکید بر افزایش نرخ رشد اقتصادی جای خود را به توجه بیشتر به افزایش کیفیت زندگی داده است . این موضوع ابتدا در کشورهای ثروتمند مورد توجه قرار گرفت . تغییر قوانین کار به نفع کارگران و ارائه خدمات رفاهی قابل توجه به نیروهای کار ، افزایش مالیاتها از صاحبان سرمایه و اقشار ثروتمند و ارائه انواع بیمه های تأمین اجتماعی برای افراد کم درآمد از تبعات این موضوع در کشورهای توسعه یافته بود . این تغییر نگرش به تدریج به کشورهای فقیر نیز منتقل شد . از آنجایی که بسیاری از این کشورها در مقایسه با سالهای قبل از نرخ رشد اقتصادی نسبتاً بالایی برخوردار بودند اما در سطح زندگی اکثر مردم آنها تغییری بوجود نیامده بود و در عوض فاصله طبقاتی قابل ملاحظه و رو به رشدی در میان اقشار فقیر و ثروتمند بوجود آمده بود. این موضوع سبب شد که ضرورت بررسی دلایل نابرابری اقتصادی و به تبع آن بررسی روشهای سنجش نابرابری اقتصادی مورد توجه اقتصاد دانان قرار گیرد.

با در نظر گرفتن موارد ذکر شده ضرورت دارد که اثرات برنامه ها و طرحهای اقتصادی اجرا شده در یک منطقه و در ابعادی وسیعتر در یک کشور ، بر روی نابرابری اقتصادی و افزایش یا کاهش نابرابری توزیع درآمد مورد بررسی قرار گیرد . در نتیجه لازم است تا در دوره های معینی میزان نابرابری اقتصادی در جامعه اندازه گیری شده و با مقایسه آن با سالهای قبل ، اثرات برنامه های اقتصادی روی نابرابری توزیع درآمد مشخص گردد و در مرحله بعد به شناسایی عوامل موثر بر نابرابری توزیع درآمد پرداخته شود .

کاهش نابرابری توزیع درآمد و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه ، همواره یکی از اهداف مشترک تمامی برنامه های اقتصادی اجرا شده در ایران بوده است. بنابراین ، لازم است تا چگونگی توزیع درآمد در ایران با روشهای علمی مورد بررسی قرار

گیرد. همچنین این تحقیقات برای استان سمنان نیز انجام شده است که نتایج آن اثرات برنامه های اقتصادی اجرا شده در این استان و لزوم و یا عدم لزوم تجدید نظر در آنها را نشان می دهد.

۲-۱ پرسش و فرضیه های تحقیق

هدف از انجام این تحقیق برآورد نابرابری اقتصادی در ایران و همچنین استان سمنان می باشد. با توجه به اینکه اطلاعات آماری هزینه و درآمد برای این استان از سال ۱۳۵۶ به بعد جمع آوری شده است، سالهای مورد بررسی از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱ در نظر گرفته شده است.

در راستای بررسی موضوع تحقیق ۴ پرسش و ۳ فرضیه به صورت زیر مطرح می گردد.

پرسشهای تحقیق عبارتند از:

- ۱- نابرابری اقتصادی در مناطق شهری استان سمنان طی سالهای مورد بررسی در چه سطحی بوده است؟
- ۲- نابرابری اقتصادی در مناطق روستایی استان سمنان طی سالهای مورد بررسی در چه سطحی بوده است؟
- ۳- سطح نابرابری اقتصادی استان سمنان در مقایسه با کل کشور چگونه بوده است؟
- ۴- آیا سطح نابرابری طی برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با برنامه دوم کاهش یافته است؟

فرضیه های اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- سطح نابرابری اقتصادی در مناطق روستایی استان سمنان کمتر از سطح نابرابری در مناطق شهری بوده است.
- ۲- سطح نابرابری اقتصادی در مناطق شهری استان سمنان کمتر از سطح نابرابری در مناطق شهری کل کشور بوده است.
- ۳- سطح نابرابری اقتصادی در مناطق روستایی استان سمنان کمتر از سطح نابرابری در مناطق روستایی کل کشور بوده است.

این پایان نامه در پنج فصل تدوین شده است. فصل دوم به مرور ادبیات موضوع تحقیق از دیدگاه نظری و تجربی اختصاص یافته است. در فصل سوم، جمع آوری

و توصیف اطلاعات بیان شده است. برآورد نابرابری اقتصادی و آزمون فرضیه ها در فصل چهارم و سرانجام نتیجه گیری و پیشنهادات تحقیق در فصل پنجم تقدیم میگردد. این پایان نامه با ذکر منابع و پیوست پایان میابد.

فصل دوم

مروری بر ادبیات موضوع تحقیق از

دیدگاه نظری و تجربی

فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع تحقیق از دیدگاه نظری و تجربی

۱-۲ توزیع درآمد و نابرابری

عوامل مختلفی بر سطح درآمدهای افراد جامعه موثر می باشد و بواسطه این عوامل، افراد جامعه در سطوح مختلفی از کسب درآمد قرار می گیرند. به طور کلی می توان این عوامل را به دو بخش تقسیم کرد. ۱- عواملی که مربوط به خصوصیات شخصی دریافت کننده درآمد می باشد. ۲- عواملی که مربوط به شرایط کار و شغل افراد می باشد. البته بدیهی است که این دو گروه عامل، از یکدیگر مستقل نبوده و بر روی یکدیگر تاثیر دارند. در زیر پاره ای از این عوامل مورد بررسی قرار گرفته است. البته در کشورهای رو به توسعه اثرات بیکاری و اشتغال ناقص، بر توزیع درآمدها را نباید از نظر دور داشت.

در میان خصوصیات شخصی افراد، پاره ای از آنها بر میزان کسب درآمد اشخاص تاثیر قابل توجهی دارند. از مهمترین این خصوصیات، می توان به جنس، سن، منشا قومی یا ملیت و سطح تحصیلات اشاره کرد.

۱- تاثیر جنسیت بر نابرابری توزیع درآمد

در بیشتر کشورهای جهان سطح دستمزد و میزان درآمد زنان با مردان متفاوت است. این میزان تفاوت در بعضی از کشورهای کمتر توسعه یافته با نسبت تقریباً ۱ به ۲ به نفع مردان می باشد. در این خصوص عوامل زیادی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که از مهمترین آنها کمتر بودن میزان تحصیلات، کار کردن زنان در خانه و تربیت فرزند، رسوم و عقاید قومی و محلی، حاملگی و تولد فرزند و رضایت زنان به دستمزد کمتر می باشد.

۲- تاثیر سن بر نابرابری توزیع درآمد

به طور کلی تفاوت سنی نیروهای کار، در میزان درآمد آنها موثر می باشد. در مجموع اشخاص با سن بالای ۲۵ سال (از سن ۲۵ سال تا ۵۰ سالگی) بیشتر از اشخاص جوان (زیر ۲۵ سال سن) که به تازگی وارد بازار کار شده اند و شغل معین و دائم ندارند و خدمات آنها به طور کامل قابل استفاده نیست، درآمد کسب می کنند.

۳- تاثیر منشا قومی یا ملیت بر نابرابری توزیع درآمد

تفاوت‌های درآمدی بین اشخاص با ملیت‌ها و منشا قومی متفاوت، که در میان مشهودترین و شدیدترین مظاهر محسوس نابرابری درآمدها قرار دارد به درجات مختلف در تمام قسمت‌های جهان دیده شده است. البته ممکن است این عامل به طور مستقیم موجب تفاوت در آمد نباشد بلکه میزان مهارت‌ها، تحصیلات و سایر عوامل موثر بر نابرابری توزیع درآمد، برای افرادی که منشاء قومی و ملیت متفاوت دارند، مختلف است. با این وجود تجربه نشان می‌دهد که در بلند مدت تمرکز گروه قومی معین در انواع بخصوصی از کار با بسط تحصیل و تحت تاثیر خود جریان توسعه که اقسام جدیدی از تخصص و انواع جدیدی از کار را ایجاد می‌کند به تدریج تضعیف می‌شود. (احمد اخوی، س ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)

۴- تاثیر آموزش و پرورش بر نابرابری توزیع درآمد

یکی از موثرترین عوامل در نابرابری توزیع درآمد، تفاوت سطح تحصیلات افراد می‌باشد. به طور کلی سطح درآمد افراد همزمان با افزایش تحصیلات آنها بیشتر می‌شود. سطح بالای تحصیلات افراد ظرفیت درآمدی آنها را افزایش می‌دهد و بر طبق نظریه سرمایه انسانی، توانایی‌های تولیدی افراد به مقدار سرمایه گذاری‌های انجام شده در بهبود بهداشت، آموزش و پرورش و نظایر آن بستگی دارد بنابراین با افزایش میزان تحصیلات، توانایی‌های تولیدی افراد بیشتر شده و درآمد بیشتری عاید آنها می‌شود. (احمد اخوی، س ۱۳۷۳، ص ۱۰۶)

علاوه بر خصوصیات شخصی، شرایط کار و شغل نیز نقش مهمی را در توزیع درآمد بازی می‌کند. در موارد زیادی نقش فوق با قشربندی گروه‌های شغلی - اجتماعی مطابقت دارد. رابطه توزیع درآمد و قشربندی شغلی - اجتماعی خاصه در کشورهای رو به توسعه که در آنها اغلب تفاوت بارزی در شرایط اجتماعی و استاندارد زندگی، مشابه با تفاوت در شرایط شغل و کار وجود دارد واضح است. اگرچه درآمدها و مشاغل به طور دقیق با یکدیگر مطابقت ندارند اما تقریباً در همه موسسات، مدیران، کارفرمایان و صاحبان فن را می‌توان در راس دریافت درآمد مشاهده کرد که بعد از آنها کارشناسان، کارکنان دفتری و فروش و کارگران ماهر قرار گرفته‌اند و سپس به ترتیب نوبت به کارگران غیر ماهر در بخش‌های غیر کشاورزی، کشاورزی و کارگران فصلی می‌رسد. بویژه این نابرابری

همانگونه که اشاره شد در کشورهای کمتر توسعه یافته بیشتر می باشد چرا که قرار گرفتن در رده بالای شغلی مستلزم داشتن بیشترین تواناییها و مهارتها می باشد و این خود از مواردی است که جزء سرمایه نیروی انسانی محسوب می شود و صد البته سرمایه نیروی انسانی همچون سرمایه مالی در این کشورها کمیاب است و این خود به نابرابری بیشتر دامن میزند.

بعنوان مثال تفاوت درآمد در بین کشاورزان خود- اشتغال در مقایسه با مدیران بنگاههای مدرن و مدیران حقوق بگیر در کشور ساحل عاج از نسبت ۱ به ۲۷ تبعیت می کند. این نسبت برای سنگال ۱ به ۳۴، سوآزیلند ۱ به ۳۲، زامبیا ۱ به ۵۸، کلمبیا ۱ به ۲۰ و در مالزی ۱ به ۱۰ می باشد. (احمد اخوی س ۱۳۷۳، ص ۱۲۰)

۲-۲ رابطه اشتغال و نابرابری توزیع درآمد

عموماً پذیرفته شده که بین سطح اشتغال و توزیع درآمد رابطه ای وجود دارد. با وجود این، نسبت و سوی این رابطه را نمی توان به راحتی تعیین کرد. تا آنجا که تاثیر سطح اشتغال بر پراکندگی درآمدها مورد نظر است این نکته شایان ذکر است که در هر اقتصاد، هر افزایش در بیکاری یا اشتغال ناقص از طریق افزایش شمار کم درآمدها، به تشدید در نابرابری توزیع درآمد کمک می کند. سطح نابرابری توزیع درآمدها به طور دقیق با حجم اشتغالی بستگی پیدا می کند که اقتصاد قادر به تولید آن می باشد. محو بیکاری دائم نشانه آن است که ساختار اقتصاد تغییر کرده و زمینه ای مناسب برای کاهش نابرابری فراهم آمده است. بدین ترتیب هدف توزیع برابانه تر درآمدها با سیاست اشتغال کامل پیوستگی نزدیک دارد.

(احمد اخوی، س ۱۳۷۳، ص ۱۳۲)

۳-۲ بررسی نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی

یک خصوصیت چشمگیر مناطق روستایی و یا به طور کلی تر فعالیتهای سنتی آن است که اشتغال، خیلی بیش از قوانین بازار، توسط اجبارها و رسومات اجتماعی کنترل می شود. این موضوع سبب می شود که تمام افراد روستایی در هر حال دارای حق کار در برابر پرداخت ولو در سطح حداقل معیشت، قرار داشته باشند، هرچند که ممکن است بهره وری نهایی آنها بسیار پایین و یا حتی صفر

باشد. در چنین وضعیتی در محیط روستایی بیکاری مشهود بسیار کم است ، در حالیکه همین استفاده ناقص و با بهره وری پایین از نیروی کار سبب ایجاد درآمد بسیار پایین می شود و سبب می شود تا میزان اشتغال ناقص افزایش یابد . اما در شهرها وضعیت به گونه دیگری است ، قوانین بازار کار وضعیت اشتغال را شکل می دهد و در نتیجه آن میزان اشتغال ناقص کمتر از روستاها می باشد هر چند که همین موضوع سبب می شود تا به طور متوسط نرخ بیکاری مناطق شهری به طور مشخص بالاتر از مناطق روستایی قرار گیرد.

با توجه به موارد فوق می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که هرچند متوسط درآمد افراد در مناطق روستایی کمتر از متوسط درآمد افراد در مناطق شهری است اما نابرابری توزیع درآمد عموماً در مورد مناطق شهری بواسطه بالاتر بودن نرخ بیکاری بیش از مناطق روستایی است .

البته عامل دیگری که نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی را تحت تاثیر قرار می دهد چگونگی سیستم توزیع زمین می باشد ، زیرا که تمرکز در مالکیت زمین طبق معمول به تمرکز در درآمدهای کشاورزی منجر می شود و در صورتیکه زمینهای کشاورزی در اختیار افراد معدودی باشد این موضوع سبب افزایش نابرابری توزیع درآمد خواهد شد.

۲-۴ نقش توسعه یافتگی کشور بر میزان نابرابری توزیع درآمد

مطالعات اخیر بانک جهانی و دیگر محققین ، این موضوع را تایید کرده اند که بیشترین نابرابری توزیع درآمد ، مربوط به کشورهای است که از نظر توسعه اقتصادی در حال صنعتی شدن هستند ، به عبارت دیگر کشورهای با درآمد متوسط به خصوص کشورهای آمریکای لاتین به شدت از نابرابری توزیع درآمد رنج می برند. همچنین به نظر می رسد که توسعه اقتصادی ، در ابتدا به صورت موقت باعث افزایش نابرابری و سپس با افزایش سهم درآمد کار ، به تدریج نابرابری در اقتصاد مختلط کاهش میابد . (اقتصاد بخش عمومی ۲ ، جعفری صمیمی ، ص ۱۳۹) نظریه فوق اولین بار در سال ۱۹۴۵ توسط سیمون کوزنتس ارائه شد که بر طبق آن نابرابری درآمدی طی اولین مراحل رشد اقتصادی روبه افزایش می گذارد و سپس همتراز می شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می یابد. او همچنین نشان

داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای صنعتی بزرگتر است، یعنی پردرآمدترین خانواده ها در بالاترین ۵ درصد طبقه بندی در کشورهای روبه توسعه بیش از ۳۰ درصد از کل درآمد را دریافت می کردند در حالیکه این نسبت در کشورهای توسعه یافته تنها از ۲۰ تا ۲۵ درصد بوده است. اگر چه سهم گروههای کم درآمدتر در برخی کشورهای رو به توسعه کوچکتر بود اما اختلاف در حدی نبود که معنی دار باشد یعنی به طور نسبی سهم گروههای متوسط در این گونه کشورها نسبت به کشورهای پیشرفته کوچکتر بود. در سال ۱۹۶۰ این فرضیه که نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته بارزتر است، مجدداً از سوی ایروینگ کراویس مطرح گردید. او همبستگی مثبت و پیچیده ای را بین درجه نابرابری و سطح درآمد واقعی سرانه مشاهده کرد. نظیر کوزنتس او هم به این نتیجه رسید که در کشورهای توسعه نیافته نسبت به کشورهای صنعتی پراکندگی درآمد در بخش زیرین جدول توزیع، کمتر و در بخش فوقانی آن بیشتر می باشد، بنابراین علت نابرابری بیشتری را که در کشورهای توسعه نیافته مشاهده می گردد می بایست در همین بخش فوقانی جدول توزیع جستجو کرد. طبق نظریه کراویس اختلاف بین المللی در درجات نابرابری را می توان به اختلاف در توزیع خصوصیات ویژه مردم که بر عملکرد آنها در عرصه اقتصادی موثر است، به موانع عرفی و قانونی تحرک اجتماعی، به عوامل ساختاری که منشاء کارهایی با درآمد نابرابر و شدیداً تبعیض آمیز می باشد و به سازمان بندی سیاسی - اجتماعی نسبت داد. به طور معمول مردم کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه نیافته عدالتخواهی بیشتری دارند، زیرا تمامی طبقات مردم در زندگی اجتماعی و اقتصادی به نحو بهتری ادغام گردیده اند. در صورتی که در کشورهای کمتر توسعه یافته موانع فرا راه برابری آموزش و انواع بسیار تبعیض، گروههای معینی را از رقابت با دیگران در شرایط مساوی باز می دارد. (احمد اخوی، س ۱۳۷۳، ص ۱۱)

۵-۲ راههای تعدیل نابرابری توزیع درآمد توسط دولت

یکی از وظایف اقتصادی و اجتماعی دولت، کنترل نابرابری و تعدیل آن است تا از این طریق از انباشت بیش از حد ثروت در اختیار یک طبقه از جامعه کاسته و به افزایش درآمد ضعیف ترین طبقه جامعه کمک کند. همانگونه که در بخشهای قبل دیدیم، نابرابری توزیع درآمد به دلایل بسیار گوناگونی بوجود می آید، بنابراین بررسی کامل سیاستهای دولت برای تاثیر بر توزیع درآمد، کاری بسیار دشوار و پیچیده است. به عبارت دیگر چنانچه دولت بخواهد عوامل بوجود آورنده نابرابری را از بین ببرد تا بدین وسیله از حربه «علاج واقعه قبل از وقوع» برای ریشه کن کردن نابرابریها استفاده کند کاری بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن خواهد بود. بنابراین چنین روشی برای محو نابرابری، چندان صحیح به نظر نمی رسد. سیاست و روش صحیح تری که دولت می تواند اتخاذ کند، زمانی است که با توزیع نابرابر درآمد مواجه است به عبارت دیگر بعد از وقوع حادثه نابرابری، باید جهت راههای تعدیل و کنترل آن اقدام کرد. در این قسمت به برنامه های مختلف دولت که می توانند به صورت مستقیم توزیع درآمد را تغییر دهند و به تعدیل کاهش نابرابری توزیع درآمد کمک کنند به طور مختصر اشاره می کنیم.

همچنین لازم است تا به این نکته توجه شود که تفسیر و تعدیل توزیع درآمد در کوتاه مدت به سادگی امکان پذیر نیست و سیاستها و برنامه های دولت برای تحقق این هدف باید افق زمانی دراز مدت را در نظر داشته باشد.

۱-۵-۲ نقش مالیاتها در توزیع درآمد

مالیاتها، یکی از اجزاء مهم سیاستهای دولت در بهبود توزیع درآمد هستند. تمامی مالیاتها دارای اثر درآمدی هستند و به نحوی بر توزیع درآمد افراد تاثیر دارند. یکی از مالیاتهای موثر بر توزیع درآمد که قادر است نابرابری را تخفیف دهد، مالیات بر درآمد تصاعدی اشخاص است. اگرچه بار این مالیات بر دوش افراد پردرآمد سنگینی می کند، اما در کاهش نابرابری توزیع درآمد موثر است. باید توجه داشت، هر چه نرخ این نوع مالیات بیشتر باشد تاثیر آن بر توزیع درآمد بیشتر خواهد بود اما اگر نرخ نهایی مالیات بسیار بالا باشد به علت تاثیر نامساعد این نوع مالیات بر تولید، عرضه کار، پس انداز و غیره، ممکن است نه تنها توزیع درآمد بهبود نیابد بلکه

نابرابری را نیز افزایش دهد. بنابراین بهتر است سیستم مالیات بر درآمد تصاعدی، یک سیستم معتدل باشد.

علاوه بر مالیات بر درآمد تصاعدی، سایر مالیاتهای مستقیم، مانند مالیات بر ثروت و دارایی و مستغلات، مالیات بر ارث، مالیات بر هدایا، مالیات بر درآمدهای باد آورده و منافع سرمایه ای می توانند در کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی ایفا کنند. مالیاتهای غیر مستقیم نقش کمتری بر تغییر توزیع درآمد دارند زیرا این نوع مالیاتها اغلب طبیعت تنازلی دارند، در نتیجه بار بیشتر این نوع مالیاتها بر دوش افراد کم درآمد سنگینی می کند. بنابراین چنین مالیاتهایی ممکن است تاثیر نامطلوبی در بهبود توزیع درآمد داشته باشند. البته اگر این نوع مالیات بیشتر بر کالاهای مصرفی افراد ثروتمند وضع شود و کالاهای مصرفی افراد کم درآمد با نرخ پایین و یا صفر، مشمول مالیات واقع شود این نوع مالیات می تواند در کاهش نابرابری توزیع درآمد تاثیر داشته باشد.

۲-۵-۲ نقش انواع مخارج دولت بر توزیع درآمد

در اقتصاد بخش عمومی معمولاً مخارج دولت به سه گروه جاری (مصرفی)، سرمایه گذاری و انتقالی (کمکهای بلاعوض) تقسیم می شود. مجموع دو نوع اول مخارج دولت که بیانگر خریدهای دولت در اقتصاد است می تواند به طور کلی در توزیع درآمد، به صورت غیر مستقیم تاثیر داشته باشد. این گونه مخارج، مانند مخارج تعلیم و تربیت، کارآموزی، بهداشت عمومی و غیره وضعیت توزیع درآمد افراد را قبل از اینکه وارد بازار کار شوند بهبود می بخشد و به طور ضمنی فرض می کند با افزایش درآمد گروههای پایین درآمدی - به خصوص اگر رقم مربوط به این نوع مخارج دولت قابل توجه باشد - آثار مهمی در کاهش نابرابری توزیع درآمد مشاهده خواهد شد. همچنین مخارج انتقالی دولت که در حقیقت پرداختهای یکطرفه به افراد گروههای پایین درآمدی تلقی می شود، می تواند بدون توجه به تواناییهای آنها بطور مستقیم تعدیلاتی در توزیع درآمد بوجود آورد. بنابراین پرداختهای انتقالی دولت در تاثیر انواع مخارج دولت بر توزیع درآمد، نقش بسیار قابل توجهی ایفا می کند. برنامه های گوناگون رفاهی و انتقالی دولت در کشورهای مختلف، برای جبران درآمد کم افراد پایین درآمدی و رفع نابرابری توزیع، عبارتند از کویتهای